

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ جنوری ۲۰۱۹

"گوساله دو مادره، سرانجام گرسنه می میرد!"

جمعه- ۱۳ جدی ۱۳۹۸ - کابل: در یادداشت امروز توجه شما را به بخشی از نتایج ترور "قاسم سلیمانی" فرمانده عمومی سپاه قدس ایران، توسط نیروهای نظامی امریکا و به دستور شخص "ترمپ"، بالای هیأت حاکمه دولت دست نشانده جلب می نمایم. اما قبل از آن:

۱- به مثابه یک انسان به خود حق نمی دهم تا به مرگ هیچ انسان دیگری خوشحالی نمایم.

۲- به مثابه یک عنصر ضد امپریالیسم درکل به خصوص دشمن اساسی و عمده کشور و مردم ما امپریالیسم تجاوز گر امریکا، ترور "قاسم سلیمانی" را ادامه ترور های دولتی امپریالیسم امریکا در افغانستان، منطقه و جهان دانسته، آن را مغایر تمام حقوق به رسمیت شناخته شده بین المللی از جانب ملل متحد دانسته با قاطعیت محکوم می نمایم. ترور یک فرد در یک کشور مستقل دیگر بیانگر آن است که امپریالیسم امریکا دیگر حاضر نیست ضوابط و مقررات پذیرفته شده بین المللی را پذیرفته به استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی سایر کشور ها احترامی قایل گردد، بلکه با تکیه بر زور و توانائی های نظامی اش گذشته از تعمیم سیاستهای "تحریم اقتصادی" و "انقلابات رنگی"، جهت حفظ منافع و دوام حضورش در یک منطقه بی پروا به کشتار مخالفانش دست می زند.

۳- از موضع یک فرد افغان، که حق دارد در محاسبات و تحولات جهانی، منافع کشور خودش را در نظر داشته باشد، صریحاً ابراز می دارم:

هرگاه ترور "قاسم سلیمانی" باعث تضعیف نفوذ و سلطه امپریالیسم امریکا و ارتجاع منطقه در افغانستان گردد، نمی توانم نگویم "ایکاش زودتر کشته می شد، تا خلقهای منطقه زودتر از شر تجاوزات امپریالیسم امریکا رهائی می یابند"، هرگاه این ترور باعث تقویت مواضع امپریالیسم امریکا، ارتجاع منطقه و نوکرانشان در منطقه گردد، می باید گفت: "حیف شد که قاسم سلیمانی ترور شد، ایکاش بیشتر زنده می ماند تا در دسر بیشتری برای امپریالیسم امریکا خلق می نمود"

۴- قاسم سلیمانی و همراهان معدومش، هر جنایتی که مرتکب شده بودند، صلاحیت مجازات و به کیفر اعمال شان رسانیدن را فقط خلقهای ایران، عراق، سوریه، افغانستان و خلقهای منطقه داشت نه امپریالیسم امریکا که به خود حق می دهد در هر گوشه ای از جهان دست به جنایت و آدمکشی زده، فقط آنها را اجازه حیات دهد، که قلاده نوکری اش را زیب گردن نمایند.

۵- به همان پیمان‌ه که ماتم گرفتن در کشته شدن جمعی از جنایتکارانی مانند "قاسم سلیمانی" و همراهانش قبیح، زنده و ضد انقلابی است، به همان اندازه تأیید و شادمانی از جنایتی که امپریالیسم امریکا مرتکب شده، ارتجاعی و ضد انقلابی بوده، در نهایت تأیید کردار و عملکرد امپریالیسم و صحه گذاشتن بر جنایاتش می باشد. امری که هیچ فرد انقلابی نباید به خود اجازه دهد تا دامنش به چنان ننگی آلوده گردد.

و اما برگردیم به بحث اصلی ما:

در کشور هائی مانند افغانستان که هیأت های حاکمه آن عادت کرده اند هم از "توبره بخورند هم از آخور"، یعنی پوزه شان به چندین نشخوارگاه بسته است، ضمن بهره بردن از چندین منبع به مثابه امتیاز، مشکل زمانی به وجود می آید که آن منابع در تقابل با هم قرار گیرند. به عبارت دیگر تا زمانی که منابع متعدد حمایت کننده با هم دوست و نزدیک اند، این امکان برای نوکر وجود دارد تا از هر دو منبع استفاده نموده دست تکی اش را به هر دو و یا بیشتر از آن داراز نماید. مشکل زمانی عرض اندام می نماید که آن منابع حمایتی در تقابل خونین از نوع "ترور قاسم سلیمانی" با یک دیگر قرار گیرند، در چنین صورتیست که بیچاره نوکر و نوکران حثیت همان "گوساله دو مادره" را می یابند که سرانجام هر دو مادر وی را بیگانه و غیر قابل اعتماد دانسته، می گذارند تا از گرسنگی تلف شود.

ترور "قاسم سلیمانی" برای هر دو جناح حاکمیت دست نشانده در افغانستان عین معضله را می تواند به وجود آورد. این معضله تنها به مشکل بین "عبدالله عبدالمود" و "غنی احمدزی" محدود نمانده، حتا قسماً در درون تیم "غنی احمدزی" نیز اگر به اصطلاح انتخابات به دور دوم برود، مشکلاتی را به وجود خواهد آورد. چه با در نظر داشت این که "غنی احمدزی" تقریباً رأی ولایت دایکندی و برخی از نقاط دیگر هزاره نشین را به اعتبار شخص "سرور دانش" قادر شده دستبرد بزند و تقلباتش را عملی سازد، هرگاه عملاً علیه ایران موضع بگیرد و از "ترور" آشکار امپریالیسم امریکا حمایتش را اعلام دارد، در آن صورت "سرور دانش" را که بدون آنهم بین هزاره ها چندان جایگاه و تعریفی ندارد، بیشتر تجرید خواهد نمود، هرگاه خلاف آن موضعی اتخاذ نماید، مسلم است که اداره "ترمپ" بر دهنش خواهند کوبید.

"عبدالله عبدالمود" با درک این که در تیمش کسی را ندارد که بابت اظهار نظر منفی علیه امریکا به مشکل داخلی برخورد نماید، خلاف "غنی احمدزی" که تا حال علی رغم صحبت تیلیفونی به "پمپئو" وزیر خارجه امریکا، سرمه خورده "تیرخود را آورده است" و ضمن یک اعلامیه هم به میخ زده است و هم به نعل؛ به صورت صریح مراتب تسلیمت خود را به خانواده "سلیمانی"، ارتش ایران و رهبر آن کشور اعلام داشته، با شهید خواندن "قاسم سلیمانی"، بدون آن که بر زبان بیاورد، حرکت امریکا را جنایت نامیده قابل محکومیت اعلام داشت.

هموطنان گرامی!

من در این مختصر آگاهانه راجع به پی آمد های ترور "قاسم سلیمانی" در افغانستان و منطقه بحث ننموده، صرف همینقدر می افزایم:

هرگاه این حرکت "عبدالله عبدالمود" به مشوره و موافقت سفارت امریکا و مقامات آن کشور صورت نگرفته باشد، بدان معناست که نه تنها قضیه انتصابات در افغانستان خاتمه یافته است، بلکه "عبدالمود" با این عمل آگاهانه بر حیات سیاسی اش از دید امریکائی ها نقطه پایان گذاشته است.

دیده شود چه می شود!؟